

معناشناسی واژه «مریة» و مشتقات آن در قرآن کریم بر اساس نظریه ایزوتسو با نقدی بر ترجمه مکارم شیرازی

علی اکبر نورسیده^۱

ابوالفضل ترابی^۲

چکیده

معناشناسی علمی است که از طریق بررسی مؤلفه‌های مختلف معنایی، به دنبال مناسب‌ترین معادل برای واژه در ترجمه متن است. به عبارتی معناشناسی یکی از رشته‌های علمی است که به مترجم، برای انجام بهتر وظیفه و نقش او کمک می‌کند. اگر مترجم به معناشناسی مسلط گردد، به مثابه بنایی است که ساختمانی با آجرهای مطمئن ساخته است. از طرف دیگر در باب معناشناسی واژگانی قرآنی می‌توان عنوان داشت معناشناسی، سطحی بین ترجمه و تفسیر است. در این پژوهش، نگارندگان پس از استخراج آیات حاوی مشتقات ریشه «مری»، با تشکیل میدان معنایی واژه «مریة» بر اساس نظریه ایزوتسو، قدیمی‌ترین معنای این ریشه را بررسی کرده‌اند، سپس به شواهد مثالی از قرآن اشاره کرده و «شک لجوجانه» را به عنوان معنای اساسی برای «مریة» ارایه داده‌اند. همچنین «شک لجوجانه» در توحید و در حقانیت قرآن و در نبوت پیامبران علیهم‌السلام و جز آن‌ها را برای معنای نسبی آن در برخی از آیات قرآن پیشنهاد نموده‌اند. در فرجام ترجمه مکارم شیرازی از میدان معنایی «مریة» مورد بررسی قرار گرفته است. پس از انجام این پژوهش مشخص شد هم‌نشینی ادات نهی و تأکید در میدان معناشناسی «مریة»، دلالت بر مراقبت ویژه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و برتری ویژه ایشان بر سایر انسان‌ها است. نتیجه دیگر آن که کاربرد «مریة» در صیغه‌های جمع و ثلاثی‌مزید، بیان‌کننده ویژگی سرایت آن بین اشخاص است. کفر و پرداختن بیش از حد به حواشی، از علت‌های «مریة» و گمراهی عمیق و تکذیب آیات پروردگار از معلول‌های آن هستند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، معناشناسی، ایزوتسو، مکارم شیرازی، مریة، شک لجوجانه.

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان، نویسنده مسئول noresideh@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد مترجمی زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان torabi.abolfazl@semnan.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۶

مقدمه

معناشناسی به روشی اطلاق می‌شود که در روند آن با بررسی عناصر پیشین، پسین و سیر تطور معنا، معنای کلمه به دست می‌آید. معناشناسی واژگان، در متون متفاوت، قابل اجرا و عملی است. ولی اهمیت معناشناسی در متون قرآن، به علت وجوه بلاغی، استعاری، کنایی و جز آن‌ها بیش از سایر متون است. شناخت معنای واژگان قرآنی از طریق معناشناسی، به مترجمان و مفسران کمک می‌کند تا پیام متن مبدأ را به گونه‌ای صحیح‌تر در زبان مقصد بازسازی نمایند.

یکی از نظریه‌پردازان حوزه معناشناسی ایزوتسو است. وی با روشی که در ادامه پیش‌تر در مورد آن گفته خواهد شد، برای هر واژه، میدان معنایی جداگانه قایل می‌شود و به بیان وجوه افتراق و تشابه کلمات مترادف نسبی می‌پردازد. «مریة»، «شک»، «ریب» و «ظن» از مفاهیمی هستند که در قرآن معنای نزدیکی دارند. هر یک از این واژگان ویژگی‌های خود را دارند. در این نوشته، ویژگی‌ها و خصوصیات واژه «مریة» بر اساس دیدگاه‌های ایزوتسو و نقد ترجمه مکارم بر اساس این دیدگاه، بیان می‌گردد.

۱- ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی در راستای واژه‌های مختلف انجام پذیرفته که هر یک نتایجی متفاوت را به همراه داشته است؛ اما درباره نقد معناشناسی واژه «مریة» و مشتقات آن و نقد ترجمه مکارم شیرازی، با تکیه بر نظریه ایزوتسو، تاکنون پژوهشی انجام نشده است. از این‌رو، در نوع خود بدیع می‌باشد. با بررسی در پژوهش‌های پیشین دو کتاب با نام‌های «خدا و انسان در قرآن» و «مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید» نگاشته شده که ایزوتسو روش معناشناسی خود را در آن به صورت کامل بررسی نموده است. وی هفت روش ارایه می‌دهد تا ساخت معنایی واژگان در قرآن به درستی حاصل شود. بافت متنی، جانشینی واژه، متضادها، صورت منفی واژگان، حوزه معنایی واژگان، ترادف عبارات و کاربرد واژگان در متون غیردینی، هفت روشی هستند که وی آن‌ها را برای معناشناسی به کار می‌بندد. ذکر این نکته لازم است که روش هفت‌گانه ایزوتسو دارای همپوشانی‌هایی می‌باشد، به عبارت دیگر می‌توان بیان نمود که بافت متنی و کاربرد واژگان اخلاقی در متون غیردینی با هم یکی هستند. از سوی دیگر جانشینی واژه، متضادها، صورت منفی واژگان و ترادف عبارات از پدیده روابط معنایی سخن می‌گویند.

حاجی‌امیری در مقاله‌ای با عنوان «مخاطب‌شناسی آیاتی از سوره یونس» که در مجله بینات منتشر شده، به بررسی آیه ۹۴ سوره یونس که حاوی یکی از مشتقات «مری» است، پرداخته و در یکی از

بخش‌های پژوهش خود به این نتیجه رسیده که ربط میان شک و تردید با «مری» آن است که در شیر دوشیدن، دست از بالا به طرف پایین کشیده می‌شود و دوباره برمی‌گردد و این کار چند بار تکرار می‌شود و این امر در تردید هم وجود دارد. به نظر می‌رسد ایشان تنها به جنبه ظاهری فعل «مری» توجه نموده و در بعد معنوی آن وارد نشده است.

زرگرانی در پایان‌نامه خود (دانشگاه الزهراء-شهریور ۹۵)، «لقاءالله» را مسیر الهی دانسته و درباره همنشینی آن با «مریة» به این نتیجه رسیده که مشرکان و کفار به دلیل ارتکاب گناه، مسیر الهی را بر خود مسدود می‌نمایند و نسبت به این مسئله دچار شک و تردید می‌گردند و آن را انکار می‌کنند. زرگرانی اشاره‌ای به تفاوت آحاد معنایی «مریة» و شک نکرده است.

در راستای پیشینه بحث، مقاله‌ای با عنوان نگاهی نو به معناشناسی شک و یقین در قرآن توسط محمدکاظم شاکر نیز نوشته شده و ایشان در آن معتقد است فردی به یقین می‌رسد که قبلاً دچار شک بوده باشد. اما شکی که هم‌مرز کفر نباشد. باید توجه داشت که «مریة» در قرآن تنها در خصوص مفاهیم معنوی به کاررفته و در این مقاله کم‌تر به این مهم توجه شده است.

صالحی و هادی، در مقاله‌ای با عنوان «معناشناسی صبر در قرآن» که در مجله پژوهش‌های قرآنی چاپ شده، بر اساس دیدگاه ایزوتسو نسبت به معنای اساسی، به این نتیجه رسیده‌اند که این واژه پیش از اسلام نیز کاربرد داشته و معنای اصلی واژه صبر و دیگر واژه‌های مترادف آن، همان استقامت و بردباری می‌باشد و تطورات معنایی واژگانی نداشته است، ولی بر اساس جهان‌بینی اسلامی، این واژه از تطور معنایی والای اخلاقی برخوردار بوده و ارزش‌های معنوی دنیوی و اخروی برای آن ترسیم شده است.

مصلاهی پور و محمدی در مقاله خود با نام «معناشناسی زهد در نهج‌البلاغه بر اساس روش معناشناختی ایزوتسو» در مجله مطالعات قرآن و حدیث، به این نتیجه رسیده‌اند که این واژه، از معنایی تازه و متفاوت از مفهوم زهد حکایت دارد که با متفاهم و برداشت شده از آن در نظر اکثر افراد متفاوت است. تبیین و تحلیل معناشناختی واژه زهد در نهج‌البلاغه که امری فراتر از مفهوم‌شناسی توصیفی و تعریفی است، می‌تواند تصحیح‌کننده برداشت‌های نادرست از این مفهوم والا بوده و تفاوت بین زهد در اسلام و رهبانیت را روشن گرداند.

بررسی اولیه حاکی از آن است که «مریة» به «شک همراه بدبینی» معادل‌یابی می‌شود و به خاطر آلوده بودن ایدئولوژی، عقاب در پی خواهد داشت. هم‌چنین با توجه به نظریه ایزوتسو، به خاطر کانونی بودن واژه «الله» به نظر می‌رسد همنشینی فراوان میان این واژه و واژه «مریة» در میدان معنایی مرتبط

وجود داشته باشد. مکارم شیرازی از معادل‌هایی هم‌چون «شک»، «تردید» و «شک و تردید» برای «مریة» استفاده کرده که مناسب به نظر نمی‌رسند.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

این جستار به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. معنای واژه «مریة»، بر اساس نظریه ایزوتسو در قرآن کریم چیست؟
۲. روابط معنایی واژگان، در میدان معنایی مشتمل بر آیات حاوی «مریة» و مشتقات آن کدام است؟
۳. معادل‌های واژه «مریة» و مشتقات آن در ترجمه مکارم شیرازی چگونه ارزیابی می‌شود؟

۳-۱. روش پژوهش

با عنایت به ساختار موضوع انتخاب شده، در این پژوهش به شیوه مطالعه موردی در روش توصیفی-تحلیلی اقدام شده است. معنای درست واژه «مریة» توصیف گشته و با استفاده از آن روابط معنایی و میدان معنایی «مریة» در نمونه موردی ترجمه مکارم شیرازی تحلیل شده است. در این پژوهش پس از بیان مبانی نظری ایزوتسو و تعمیم آن بر میدان معنایی «مریة»، معنای واژه در دوره جاهلی و قرآنی بررسی می‌گردد. سپس روابط معنایی میان واژگان تحصیل و فراهم شده و بر اساس آن، ترجمه مکارم مورد نقد قرار گرفته است.

۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

این پژوهش، با الهام از دسته‌بندی ایزوتسو، برای تطور معنایی واژگان، معنای واژه «مریة» در شعر جاهلی را یادآور شده و در مرحله بعد با استخراج آیات حاوی واژه «مریة» و مشتقات آن، بر اساس روابط میان کلمات میدان معنایی مشتمل بر واژه کانونی «مری» و عناصر همنشین، معنای آن را تحصیل نموده، سپس به نقد ترجمه مکارم شیرازی پرداخته است. در روند پژوهش، هر جا نیاز به ترجمه آیات بوده، از آخرین ترجمه مکارم شیرازی که توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار ایشان به چاپ رسیده، استفاده شده و در صورت رجوع به تفسیر، از تفسیر نمونه که مترجم مورد نقد، خود سرپرستی گروه مفسران آن را بر عهده داشته، بهره گرفته شده است.

۲. معناشناسی از نظر ایزوتسو

معناشناسی، متفاوت از تفسیر و ترجمه است. می‌توان عنوان نمود معناشناسی سطحی بین تفسیر و ترجمه به شمار می‌رود.

معناشناسی قرآن به صورت عمده با این مسأله سر و کار دارد که چگونه از دیدگاه این کتاب آسمانی، جهان هستی ساخته شده و اجزای سازنده عمده جهان چه چیزهایی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر از چه قرار است (ایزوتسو، ۱۳۹۶: ۲).

ایزوتسو از منظر زبان‌شناسی، عالم را بر اساس معنای کلمات دسته‌بندی می‌نماید و پس از معناشناسی کلمات، هر بار به دنیا از پنجره آن واژه نگاه می‌کند. روش کار ایزوتسو با تعریف و تشکیل میدان معناشناختی آغاز می‌شود.

وی برای واژگان، مؤلفه‌های مختلف قایل است و کلمات را به عنوان یک میدان بزرگ به چند میدان خاص تقسیم می‌کند و هر یک را شایسته آن می‌داند که به یک واژه دلالت داشته باشد. بنابراین هر واژه را جزئی از یک کل بزرگ‌تر به شمار می‌آورد و آن کل بزرگ‌تر را به نام میدان معناشناختی می‌خواند. میدان معناشناختی به این معنا دستگاهی درون دستگاه دیگر؛ یعنی یک زیردستگاه یا دستگاه جزء است. (همان، ۲۵). ایزوتسو پس از تشکیل میدان معناشناختی، در آن، به دنبال واژگان کانونی و کلیدی است.

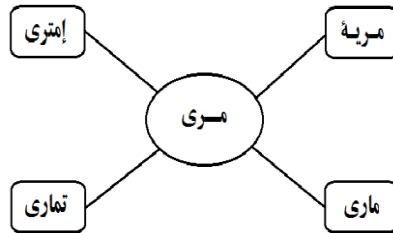
به کلماتی که نقش واقعاً قطعی در ساختن جهان‌بینی تصویری قرآن دارند، کلمات کلیدی گفته می‌شود. از میان کلمات کلیدی در هر میدان معنایی، به کلمه کلیدی خاص که نماینده و محدودکننده یک حوزه و گستره تصویری است، کلمه کانونی گفته می‌شود. کلمه‌ای که در یک میدان وضعیت کلیدی دارد، ممکن است در میدان و حوزه دیگر به صورت یک کلمه کانونی پدیدار شود (همان، ۲۲-۳۰).

در یک میدان معنایی، به جز کلمات کانونی و کلیدی، دسته‌ای دیگر از کلمات وجود دارند که از لحاظ تکرار، حضوری کم‌رنگ داشته، از نظر کیفیت نیز کاملاً در حاشیه بوده‌اند و فقط به افاده معنای سایر واژگان کمک می‌کنند. به این کلمات، کلمات فرعی گفته می‌شود (زندى، ۱۳۹۵:

dinonline.com)

با بررسی آیات دربرگیرنده واژه «مریة» و مشتقات آن و تطبیق با نظریه ایزوتسو، میدان معناشناختی آن‌را به صورت شکل زیر در نظر می‌گیریم. در این میدان معنایی که آن را میدان

معناشناختی «مری» می‌نامیم، «مری» کلمه کانونی است و کلمات «امتری»، «مریة»، «ماری» و «تماری» از نوع کلیدی هستند.



با استفاده از اشتقاق در زبان عربی می‌توان میدان‌های معنایی جدید تولید نمود؛ یعنی هر کلمه کلیدی از یک میدان معناشناختی، در میدان معنایی دیگر، کانونی باشد و مشتقات و صیغه‌های مختلف فعلی، در میدان جدید، کلمات کلیدی باشند. «عربی زبانی است که علاوه بر غنی بودن از حیث کلمه‌های پایه و اساسی، قابلیت شگفت‌انگیزی برای اشتقاق کلمات جدید از یک ماده و ریشه با نظم و ترتیب خاص دارد.» (ایزوتسو، ۱۳۹۶: ۷۵).

از واژگان قرآنی موجود در میدان معنایی مورد بررسی، می‌توان کلمات کلیدی «امتری» و «ماری» را به همراه صیغه‌های مختلف و مشتقاتشان، یک میدان معنایی جدا در نظر گرفت تا دو کلمه موصوف در آن میدان‌ها واژگان کانونی باشند.

۱-۲. معنای واژه «مریة»

برای به دست آوردن تطور معنایی واژه «مریة» و مشتقات آن، باید بازه‌های زمانی مناسبی انتخاب شود. از آن‌جا که پژوهش پیش‌رو، بر اساس مبانی نظری ایزوتسو است، در بررسی تطور معنایی، بازه‌های زمانی وی مد نظر خواهد بود.

ایزوتسو می‌نویسد: «من سه سطح معنی‌شناختی متفاوت را در تاریخ قدیم زبان عربی در نظر می‌گیرم: ۱- پیش از قرآن یا جاهلی؛ ۲- قرآنی؛ ۳- پس از قرآنی و بالخاصة عباسی.» (ایزوتسو، ۱۳۹۶: ۴۳).

۱-۱-۲. دوره جاهلی

ایزوتسو برای رسیدن به معنای صحیح واژگان قرآنی، نقشی مهم برای اشعار دوره جاهلی قایل می‌شود. «چون از لحاظ گاه‌شماری، واژگان شعر جاهلی مقدم بر واژگان قرآن است، مقایسه‌ای میان آن دو یقیناً بسیار ثمربخش خواهد بود.» (همان، ۲۶). ایزوتسو معتقد است کلمات معمولی عصر جاهلی در

قرآن، جایگاه والایی پیدا نموده و به کلمات کلیدی تبدیل شده‌اند. (همان، ۴۷). در شعر جاهلی ابیات زیر مشاهده می‌شود، که واژه مَرَى در آنها وجود دارد:

سَقَى الرَّبَابَ مُجَلِّجِلْ إِذْ	أَكْنَفِ لَمَاحُ بُرُوقُهُ
جَوْنٌ تُكْرِكُرُهُ الصَّابَا	وَهَنَّا وَ تَمْرِيهِ خَرِيْقُهُ
مَرَى الْعَسِيفُ عِشَارُهُ	حَتَّى إِذَا دَرَّتْ عُرُوقُهُ
وَ ذَنَّا يُضِيءُ صُبَابُهُ	غَابًا يُضَرِّمُهُ حَرِيْقُهُ
حَتَّى إِذَا مَا دَرَعُهُ	بِالْمَاءِ صَاقَ فَمَا يُطِيقُهُ
هَبَّتْ لَهُ مِنْ خَلْفِهِ	رِيحٌ ثَمَائِيَّةٌ تَسُوقُهُ
حَلَّتْ غَزَالِيَهُ الْجَنُّ	بُ فَتَجَّ وَاهِيَةً خُرُوقُهُ

(عبیدبن الأبرص، ۱۴۱۴ق: ۸۴)

«ابر غرنده گسترده که برق درخشنده داشت، کوه رباب را سیراب کرد.»

«در نیمه شب باد صبا سیاهی را بازگرداند و باد شدید باعث آن باران شد.»

«برده شتر را به قصد دوشیدن لمس کرد تا آن که رگ‌هایش غلیظ و محکم شد. (گفته شده این که

باد ابر را بارور کرده و باران تندی باریده به محکم دوشیدن شیر تشبیه شده تا آن‌جا که رگ‌هایش

محکم و سفت گردیده است.)»

«مانند جنگلی که آتش آن را روشن می‌کند، برق، باقیمانده ابرها در آسمان را روشن کرد.»

«برهای باران‌زا دیگر نمی‌توانستند آب درونشان را با خود بکشند.»

«با آن ابرها باد یمانی از سمت شمال وزید که آن باد ابرها را تکان داد و مقابل خود کشاند.»

«باد جنوبی با آن مواجه شد و باران شدیدی از آن سرازیر گشت.»

مری: دوشید (خوری شرتونی، ۲۰۰۸: ۱۲۶۵/۲)، العسیف: مزدور، بنده (همان، ۷۹۰/۱)، عشار: شتر

ماده (همان، ۷۸۴/۱)، دَرَّ: بسیار شیر دادن شتر، باریدن باران، روان شدن، غلیظ و پر شد (همان،

۳۲۸/۱)، العرق: رگ (همان، ۷۷۱/۱)، مُجَلِّجِلْ: ابری که همراه باران، رعد دارد (همان، ۱۳۴/۱)، جون:

سیاه، سفید، سرخ (همان، ۱۵۲/۱)، ضرم: روشن کردن (همان، ۶۸۴/۱)، تَجَّ: روان شد، روان کرد

(همان، ۸۶/۱).

نمونه بالا نشان می‌دهد یکی از معانی «مری» در شعر جاهلی به معنای لمس برای دوشیدن شیر شتر

بوده است و نه خود دوشیدن و به نوعی به آغاز انجام این کار اطلاق می‌شده است.

۲-۱-۲. دوره اسلامی

به گواه کتاب‌های لغت حدود ۱۰۰ کلمه با ریشه «مری» در زبان عربی یافت می‌شود. در قرآن واژه «مریة» و مشتقات آن ۲۰ بار ذکر شده که در ۱۹ آیه از ۱۶ سوره توزیع شده است. این ۲۰ واژه مرتبط با صیغه‌های مختلف «إمتری» (به همراه اسم فاعل آن: ۹ بار)، مصدر «مریة» (۵ بار)، صیغه‌های مختلف «ماری» و مصدر «مراء» (۴ بار)، و صیغه‌های مختلف «تماری» (۲ بار) است.

در ترجمه‌های قرآن به فارسی برای «مریة» و مشتقات آن معادل‌هایی هم‌چون «شک» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵: ۳۳۸)، «تردید» (همان، ۲۳)، «دودی» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۲۳)، «شبهه در دل» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۲۳)، و «گمان» (انصاری، ۱۳۷۱: ۳۹۸)، آورده‌اند.

رابط میان «شک» و «تردید» با «مری» آن است که در شیر دوشیدن دست از بالا به طرف پایین کشیده می‌شود و دوباره برمی‌گردد و این کار چند بار تکرار می‌شود و این امر در تردید هم وجود دارد (حاجی امیری، ۱۳۸۶: ۳۵). از این استدلال، وجود مؤلفه «شک» و «تردید» در «مریة» به دست می‌آید، اما هر نوع «شک» و «تردید» معادل «مریة» نیست.

گروه مفسران در تفسیر نمونه، ریشه «مریة» را از «مریت الناقة» به معنای فشار دادن پستان شتر بعد از گرفتن شیر دانسته‌اند، به این امید که بقایایی در آن باشد، و چون این کار با شک و تردید صورت می‌گیرد، این کلمه به معنای «شک و تردید» آمده است. از آن‌جا که انسان می‌کوشد آن‌چه را در ذهن طرف مقابل است، بیرون آورد، به «مجادله»، «مراء» گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۳۳/۲۰). بعد از تمام شدن شیر باز هم انسان مشغول دوشیدن است. این عمل چه بسا به خاطر لجاجت وی است که سرچشمه در حرص برای کسب شیر بیش‌تر دارد. بنابراین درون «مریة» نوعی لجاجت نهفته است نه امید. به عبارت دیگر، دوشنده شیر، با اصرار در پی به دست آوردن شیر بیش‌تر است.

۳. معانی نسبی «مریة» در قرآن

اگر «مریة» را به «شک و تردید» ترجمه نماییم، به معنای معادل آن در زبان فارسی دقت نموده‌ایم و آن چیزی اتفاق می‌افتد که ایزوتسو، معناشناس را از آن بر حذر می‌دارد. وی تکیه محض به معنای معادل را غیرقابل اعتمادترین روش می‌داند. (ایزوتسو، ۱۳۹۴: ۴۷). او واژگان را دارای دو نوع «معنای اساسی» و «معنای نسبی» می‌داند.

معنای اساسی یک کلمه چیزی ذاتی درونی از خود آن کلمه است که با آن کلمه به هر جا برود، انتقال پیدا می‌کند. معنای نسبی، چیزی است که دلالت ضمنی دارد و در نتیجه پیدا شدن وضعی خاص

برای آن کلمه در زمینه‌ای خاص، به معنای اساسی می‌پیوندد و در نظام تازه، نسبت به کلمات مهم دیگر، نسبت‌ها و روابط گوناگون پیدا می‌کند. معنای اساسی یک کلمه به عنوان مغز و هسته، در هر دستگاه که وارد شود، تا زمانی که این کلمه در جامعه زبانی به صورت یک کلمه باقی مانده است، از آن جدا نمی‌شود، ولی یک کلمه هم نمی‌توان یافت که معنای مجسم و ملموس آن کاملاً به وسیله آن‌چه معنای اساسی است، پوشیده شود (همان، ۴۷).

معنای اساسی، آشکار بوده و معنای نسبی، پیچیده است. معنای اساسی به تنهایی (خارج متن) قابل درک است، لکن معنای نسبی فقط از متن دریافت می‌شود. معنای اساسی تمام عناصر کلمه را شامل نمی‌شود؛ اما معنای نسبی در هر متنی که می‌آید، تمام عناصر را در آن متن به دوش می‌کشد. البته لازم به ذکر است که تفکیک معنای اساسی و نسبی در مفاهیم انتزاعی امکان‌پذیر است و برای کلماتی که به مفاهیم فیزیکی اشاره دارند، مانند اشیا، نام غذاها، حیوانات و جز آن‌ها چنین تفکیکی قابل انجام نیست. با کنار هم قراردادن مراتب پیش‌گفته، معنای اساسی «مریة» در قرآن، شک لجوجانه و معنای نسبی آن متفاوت است. برای رسیدن به معنای نسبی، هر متنی باید به صورت جداگانه بررسی شود که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد.

۳-۱. شک لجوجانه در توحید

بیش‌ترین گستره برای کاربرد واژه «مریة»، حوزه توحید است (۱۰ بار). در واقع یکی از مؤلفه‌های معنایی «مریة» را می‌توان شک لجوجانه در یگانگی پروردگار در نظر گرفت. «در نظام و دستگاه قرآنی حتی یک میدان معناشناختی واحد نیست که مستقیماً با تصور مرکزی "الله" مرتبط و در زیر فرمان آن نبوده باشد» (همان). از طرفی درجه اهمیت تصور و مفهوم انسان در قرآن به اندازه‌ای است که دومین قطب اصلی را تشکیل می‌دهد و روبروی قطب اصلی؛ یعنی خدا می‌ایستد (همان، ۹۲) و اغلب کلمات کلیدی قرآن را مرتبط با روابط میان خدا و انسان است (همان، ۱۰۱). این بیان همان توحید از دیدگاه ایزوتسو با مبانی زبان‌شناسی است. قرآن قبل از آیه «فَلَا تَكُ فِي مَرِيَةٍ مِمَّا يَعْْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَ إِنَّا لَمُؤَفَّفُوهُمْ نَصِيْبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ» (هود/۱۰۹)، «پس تردیدی در باطل بودن معبودهایی که آن‌ها می‌پرستند، به خود راه مده. آن‌ها همان گونه این معبودها را پرستش می‌کنند که پدرانشان قبلاً می‌پرستیدند، و ما نصیبشان را بی‌کم و کاست به آنان خواهیم داد.» عبارتهای «فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا...» (هود/۱۰۶) و «وَ أَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا...» (هود/۱۰۸) را ذکر می‌نماید. با این آیه خدا پیامبر ﷺ را از شک

در باطل بودن معبود بدبختان، بر حذر می‌دارد؛ بنابراین در جهان‌بینی قرآنی، نگاه به انسان‌ها از روزنه «مریة»، بر اساس معبود، آن‌ها را به دو دسته بدبخت و خوشبخت تقسیم می‌کند.

۲-۳. شک لجوجانه در معاد

در تعدادی از آیات مورد بررسی که بسامد آن به ۵ مورد می‌رسد، قرآن واژه «مریة» را برای اشاره به شک لجوجانه در معاد به کار برده است. این ۵ آیه خود به دو دسته اشاره مستقیم و غیرمستقیم (خلقت حضرت عیسی علیه السلام) تقسیم می‌شوند.

آیه «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (بقره/۲۸)، این دو خلقت انسان، دلیل بر قدرت خداوند در جاری نمودن معاد است. در آیات «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ» (آل عمران/۶۰) و «ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ» (مریم/۳۴) به داستان خلقت حضرت عیسی علیه السلام اشاره شده و اسم فاعل «مُمْتَرِي» از ریشه «إمتری» ذکر گردیده است.

با یاری جستن از تفسیر آیه بالا در مورد روند خلقت و مرگ انسان، به سراغ شناخت معنای «مریة» در آیات مرتبط با معاد می‌رویم. دو مورد اول از این آیات در پیوند با حقانیت خلقت حضرت عیسی علیه السلام است که با کنار هم گذاشتن آن‌ها و آیه ۲۸ سوره بقره، خلقت حضرت عیسی علیه السلام (تنها با یک مادر مقدس) نوعی به رخ کشیدن قدرت خدا در بازگشت انسان‌ها و معاد است. پس منظور از «مریة» در ماجرای خلقت حضرت عیسی علیه السلام، شک لجوجانه در معاد است. افزون بر دو آیه قبلی، در عبارت «... أَتَنْهَا الْحَقُّ...» (زخرف/۶۱) حرف تعریف «ال» و واژه «حق» در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و در میدان معناشناختی «مریة» دیده می‌شوند. از طرفی در آیات «... يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ...» (شوری/۱۸) و «وَ إِنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلْسَّاعَةِ...» (زخرف/۶۱) حرف تعریف «ال» و واژه «ساعة» و واژه «هذا» در آیه «إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ» (دخان/۵۰) دیده می‌شود.

موارد یادشده (ال+ حقّ و ساعة-هذا) از نشانه‌های معرفه در زبان عربی هستند؛ بنابراین قرآن در این آیات، از شیوه‌ای استفاده می‌کند که واقعیتی را توضیح می‌دهد، پس از آن که واقعیت مورد نظر شناخته شد، یک حقیقت روشن را تبیین می‌نماید. تأثیر این نوع معرفه بر میدان معنایی «مریة» آن است که انسان ابتدا باید وقایع را خوب بشناسد، سپس حقایق را درک کند و به شک لجوجانه در معاد مبتلا نگردد.

۳-۳. شک لجوجانه در حقانیت قرآن

دسته‌ای از آیات قرآن، خود به حقانیت قرآن اشاره می‌نمایند و با این نوع بیان، اصطلاحاً رجزخوانی می‌کنند و اعجاز خود را به رخ می‌کشند. خدا نیز به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد به هر کس که در حقانیت قرآن شک و تردیدی دارد، بگوید که ده سوره، یک سوره یا حتی یک آیه مانند آن را بیاورد. نوعی از این رجزخوانی و هماوردخواهی در میدان معنایی واژه «مریة» دیده می‌شود. مشاهده می‌گردد ۴ بار از این واژه برای شک لجوجانه در حقانیت قرآن استفاده شده است.

«أَفَعَيِّرَ اللَّهُ أَتْبَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ» (انعام/۱۱۴)؛ «(با این حال) آیا غیر خدا را به داوری طلبیم؟! در حالی که اوست که این کتاب آسمانی را، که همه چیز در آن بیان شده، به سوی شما فرستاده است؛ و کسانی که به آن‌ها کتاب آسمانی داده‌ایم می‌دانند این کتاب، به حق از طرف پروردگارت نازل شده؛ بنابراین هرگز از تردیدکنندگان مباش.»

در آیاتی که قرآن از واژه «مریة» به عنوان شک لجوجانه در حقانیت خود استفاده نموده، ۳ بار واژه «حق» را آورده تا به تحدی خود اتکایی بیش‌تر داشته باشد و خود را افزون‌تر به رخ بکشد.

۳-۴. شک لجوجانه در نبوت پیامبران ﷺ

یکی دیگر از معانی نسبی «مریة»، شک لجوجانه در نبوت پیامبران ﷺ است. یک آیه خطاب به پیامبر اسلام ﷺ می‌باشد که در مورد دریافت کتاب الهی توسط حضرت موسی ﷺ است. «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ» (سجده/۲۳)، «و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ و شک نداشته باش که او آن را دریافت داشت؛ و ما آن را وسیله هدایت بنی‌اسرائیل قرار دادیم.»

خطاب دیگر به آنان است که در آنچه پیامبر ﷺ در شب معراج دید، شک لجوجانه می‌نمایند. «أَفْتُمَارُونَهُ عَلَى مَا يَرَى» (نجم: ۱۲)، «آیا با او درباره آنچه (با چشم خود در معراج) دیده مجادله می‌کنید؟!»

آیه نخست با «لا» نهی پیامبر ﷺ را از شک لجوجانه در نبوت موسی ﷺ باز می‌دارد. آیه دوم نیز با ذکر همزه استفهام در قالب استفهام انکاری، افرادی که به شک لجوجانه در معجزه حضرت محمد ﷺ (دیدار پروردگار در شب معراج) گرفتار هستند، سرزنش می‌کند. حوزه‌های قرآنی کاربرد واژه «مریة» و مشتقات آن در قرآن را می‌توان در نمودار مشاهده نمود.

نمودار شماره ۱: حوزه های کاربرد واژه «مریة» و مشتقات آن در قرآن



در دیدگاه ایزوتسو قرآن اساساً یک جهان بینی خدا مرکزی است و هیچ مفهوم عمده‌ای در قرآن جدا از مفهوم خدا وجود ندارد (ایزوتسو، ۱۳۹۴: ۳۶). همان گونه که نمودار نشان می‌دهد این بیان بر میدان معنایی «مریة» نیز حاکم است و بیش‌ترین بسامد در حوزه توحید است. نکته‌ای دیگر که از تبیین نمودار به دست می‌آید، آن است که بین تکرار توحید، معاد و نبوت که اصول دین می‌باشند، ارتباط منطقی ترتیبی وجود دارد. پس از نزول قرآن کریم و تأثیری که شعر جاهلی در معنای «مریة» وارد نمود، در فرهنگ‌های لغت جدید، مؤلفه لجاجت از آحاد معنایی «مری» جدا شده و معادل‌هایی هم‌چون «شک» (مختار عمر، ۱۴۲۹: ۲۰۹۱) و «مردد بودن» (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۵۱/۶) برای آن به جای مانده است. برای باب‌های ثلاثی مزید آن مانند «ماری» نیز معادل‌هایی، مانند «جادل» و «خاصم» (صینی، ۱۴۱۴: ۲۹) ذکر شده است. در این دو معنا نیز خیلی افراط شده و میزان لجاجت، بسیار زیاد وارد گشته است.

مصطفوی اعتقاد دارد «مری» در کلمات قرآن، ممارست در چیزی است تا انسان برای خودش از آن، چیزی مادی یا معنوی به دست آورد (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۸۸/۱۱)؛ یعنی ممکن است ممارست، در خصوص موارد مثبت هم انجام شود، ولی بر اساس آنچه ما به آن دست یافتیم، «مری» در قرآن تنها به معنای منفی آن به کار رفته است. ایزوتسو تقابل اسلام و جاهلیت را به مثابه دو سر یک محور می‌داند. یکی را در اعلی علین می‌بیند و دیگری را در اسفل السافلین. جاهلیت فقط مادیات و این جهان را می‌بیند، لکن مفاهیم اسلام بر پایه اصول دین استوار است. (ایزوتسو، ۱۳۹۴: ۹۷) پس منطقی است که قرآن با بیان مثال‌های ملموس دنیوی، ذهن اعراب جاهلی را به مفاهیم اسلامی نزدیک نماید؛ بنابراین برای معنای لغوی و تطور

معنایی می‌توان این‌گونه بیان نمود که واژه «مری» در شعر جاهلی به معنای لمس پستان شتر برای دوشیدن بوده است. در فرهنگ قرآنی این واژه به دلیل اصرار در انجام برای رسیدن به هدف، به معنای شک لجوجانه تطور یافته و در معاجم جدید آن را به شک معادل‌یابی نموده‌اند.

۴. روابط موجود در شبکه معناشناسی «مریة»

پس از شناخت معنای اساسی و نسبی «مریة» به دنبال آن هستیم که روابط معنایی میان واژگان این میدان معنایی را دریابیم تا بتوانیم با تأثیر این روابط، معنای «مریة» را بهتر بشناسیم. یکی از این روابط قرار گرفتن واژه‌ها در کنار یکدیگر با هدفی مشخص است که به آن همنشینی گفته می‌شود. به علت نظمی که متن قرآن دارد، این همنشینی حکیمانه انجام گرفته و هر رابطه همنشینی بازگوکننده پیامی خاص است.

۴-۱. همنشینی با ادات نهی و تأکید

ده آیه از دامنه پژوهش، آیاتی هستند که جنبه ظاهری و خطاب آن‌ها متوجه پیامبر ﷺ هستند. مفسران سعی نموده‌اند تا با تکیه بر جنبه‌های تفسیری و بلاغی، مقصود اصلی آیه را متوجه ایشان نمایند.

«أَقْمِنْ كَانِ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَ رَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالْتَأَرْ مَوْعِدُهُ فَلَاتُكُ فِي مَرْيَةِ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ» (هود/۱۷).

«آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد، و به دنبال آن، شاهی از سوی (خدا) آمده، و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بوده (گواهی بر آن می‌دهد، هم چون کسی است که چنین نباشد)؟! آن‌ها (حق‌طلبان) به او ایمان می‌آورند! و هر کس از گروه‌های مخالف به او کافر شود، آتش و وعده‌گاه اوست. پس، تردیدی در آن نداشته باش که آن حق است از پروردگارت؛ ولی بیش‌تر مردم ایمان نمی‌آورند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۲۳)

در تفسیر نمونه، برای تفسیر آیه بالا دو احتمال قید شده است. یکی آن که با استناد به ضرب‌المثل «إِيَّاكَ أَعْتَبِي وَ أَسْمَعِي يَا جَارَةَ» مخاطب پیامبر ﷺ است، لکن هدف اصلی سایر مردم هستند. همان‌طور که در فارسی می‌گوییم به در می‌گویم که دیوار بشنود. احتمال دیگر آن است که هر چند قرآن بر پیامبر ﷺ نازل شده، اما در این آیه و آیات مشابه دیگر عبارتی مانند «أَيُّهَا الْمَكْلُفُ الْعَاقِلُ» در تقدیر است و اصل آیه «فَلَا تَكُ أَيُّهَا الْمَكْلُفُ الْعَاقِلُ فِي مَرْيَةِ» است. بنابراین مخاطب آیه هر خواننده عاقل قرآن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۷/۹).

فارغ از جنبه‌های تفسیری و دخیل نمودن عصمت پیامبر ﷺ که خارج از موضوع پژوهش پیش‌رو است، همان‌گونه که نمودار زیر نشان می‌دهد از بیست آیه مورد بررسی، ۱۰ بار از ترکیب «لا» با فعل «تکن»، جمله‌نهی ساخته شده است. از طرفی در ۴ آیه «ن» به انتهای افعال اضافه شده است. ۳ بار کلمه «مریة» با تنوین «ـ» و ۱ بار هم کلمه «مراء» با تنوین «ـ» هم‌نشین شده است. هر یک از ادات و تنوین‌های موصوف با هدفی خاص در میدان معنایی وارد شده‌اند. حرف «لا» برای نهی وارد شده و «ن» برای تأکید در آن نهی آمده است. دو تنوین ذکر شده نیز برای ترجمه «مریة» و «مراء» معادل‌های نکره به صورت «شکی» یا «یک شک» و «جدالی» یا «یک جدال» را در ذهن بازسازی می‌کند که می‌توان «ذره‌ای شک» یا «ذره‌ای جدال» را از آن برداشت نمود.

انواع جمله در میدان معنایی «مریة»



برخی از نویسندگان هم معتقد هستند اصل شک حتی برای شخصیتی چون پیامبر اکرم ﷺ امری عادی و مجاز به شماره آمده، از ایشان خواسته شده که با پرسش و تحقیق، شک احتمالی خود را بر طرف سازد (شاگرد، ۱۳۸۴: ۲۶۸).

۴-۲. هم‌نشینی با موصول و ضمائر جمع متصل در افعال

بررسی‌ها نشان می‌دهد ۱۰ مورد از کاربردهای واژه «مریة» و مشتقات آن در حالت جمع (اعم از اسم به صورت جمع مانند «مترین» یا افعال به صورت صیغه‌های جمع) و ۱۰ مورد در حالت مفرد برای خطاب به پیامبر ﷺ به کار رفته است. کاربردهای «مریة» و مشتقات آن برای خطاب به دیگران، در حالت جمع آمده است. این موضوع بیانگر آن است که اگر «مریة» آغاز شود، منحصر به فرد نخواهد بود و دامن‌گیر دسته‌ای از انسان‌ها می‌گردد. مؤید دیگر این سخن آن است که در برخی از آیات مورد بررسی، ریشه «مری» در باب‌های ثلاثی مزید «إفعال»، «تفاعل» و «مفاعلة» استفاده شده و معنی را به مشارکت و اثرپذیری تغییر داده است.

۴-۳. همنشینی با الله، رب و ضمایر مرتبط

یکی از کلماتی که بر مبنای اصول توحیدی در قرآن گنجانده شده، کلمه الله همان اسم علم برای آفریننده انسان‌ها جانوران، نباتات و جمادات است. «خدا والاترین کلمه کانونی در قرآن است که بر همه میدان‌های معناشناختی و بنابراین همه دستگاه (دستگاه قرآنی) مستولی است» (ایزوتسو، ۱۳۹۶: ۹۶). در ۱۹ آیه حاوی واژه «مریة» و مشتقات آن ۲۱ بار (رب: ۹ بار، الله: ۱ بار، ضمایر مرتبط: ۱۱ بار) استفاده شده است. این تکرار نسبتاً زیاد از واژه‌های موصوف (تقریباً یک بار در هر آیه) با نظریه ایزوتسو منطبق می‌باشد و کانونی بودن کلمه «الله» را توجیه می‌نماید.

۴-۴. رابطه علی و معلولی

یکی از قوانین حاکم بر نظام خلقت قانون علت و معلول است. هر معلولی بر اثر علتی به وجود آمده و هر علتی منجر به معلولی می‌شود. پهلوان‌نژاد و سزاوار اعتقاد دارند در واژگان نیز تأثیر این رابطه آشکار است (پهلوان‌نژاد و سزاوار، ۱۳۸۷: ۱۱۳). حال ما به دنبال علت‌ها و معلول‌های «مریة» در میدان معنایی مورد پژوهش هستیم.

۴-۴-۱. علت‌های «مریة»

یکی از واژگان همنشین در میدان معنایی «مریة»، واژه کفر است. در آیات مورد بررسی ۲ بار مشتقات «کفر» و یک بار هم عبارت «... لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا...» (شوری: ۱۸) «کسانی که به قیامت ایمان ندارند...» آمده است. در آیه «وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ» (حج/۵۵)، «پیوسته کافران درباره قرآن در شک هستند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵: ۳۳۸). خدا کافران را مبتلا به «مریة» می‌داند و با قید عبارت «ولا یزال» این ویژگی را برای آنان تا روز قیامت برقرار می‌داند.

در عبارت «... وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ موعدهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ» (هود/۱۷) «و هر کس از گروه‌های مخالف به او کافر شود، آتش وعده‌گاه اوست! پس، تردیدی در آن نداشته باش» (مکارم شیرازی، همان، ۲۲۳) نیز قرآن کفار را به آتش جهنم وعده داده و پس از آن پیامبر ﷺ را از «مریة» نهی می‌نماید. البته این سخن به این معنا نیست که ساحت مقدس پیامبر ﷺ در معرض تردید است، بلکه این نهی در واقع نهی غیر است و به اعتقاد قرطبی نهی مکلفین است. آیه اول مستقیماً صفت «مریة» را ناشی از کفر می‌داند و کفار را دائماً به این صفت مبتلا می‌داند. آیه دوم کفار را به آتش جهنم وعده داده است، بنابراین آیه دوم نیز به صورت غیرمستقیم «مریة» را ناشی از کفر می‌داند.

یکی دیگر از دلایل «مریة» پرداختن به حاشیه، بیش از متن است. قرآن پیامبر ﷺ را از این کار نهی می‌کند. البته قرآن ورود به میزان کم را مجاز می‌داند. خدا در داستان اصحاب کهف با آوردن عبارت «... قُلْ رَبِّيَ أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَغْلُمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مَرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (کهف: ۲۲)، «بگو: پروردگار من از تعدادشان آگاه‌تر است! جز گروه کمی، تعداد آن‌ها را نمی‌دانند. پس درباره آنان جز با دلیل سخن مگو؛ و از هیچ کس درباره آن‌ها سؤال مکن!» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۹۶) به پیامبر اعلام می‌نماید به جزئیات داستان اصحاب کهف، از جمله تعداد آن‌ها وارد نشود، اگر هم چنین کاری می‌کند بایستی در حد کم انجام شود؛ یعنی به مقدار کمی برای مردم بگوید.

بررسی نشان می‌دهد در میدان معنایی «مریة» ۶ بار واژه حق تکرار شده است. این ۶ تکرار همگی با حرف تعریف «ال» همراه و هر کدام اشاره به موردی خاص دارد. از این ۶ تکرار، سه آیه عیناً حاوی عبارت «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ» می‌باشد و بعد از آن با قید عبارت «فَلَا تَكُنْ / فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُتَمَتِّرِينَ» از ابتلاء به «إمتراء» نهی شده است. به عبارتی اگر انسان حق را از جانب پروردگار نداند، به «إمتراء» دچار خواهد شد. بنابراین زیر پا گذاشتن و چشم‌پوشی از حق، باعث ابتلا به «إمتراء» در حقانیت تغییر قبله مسلمانان، حقانیت قدرت پروردگار در آفرینش حضرت مسیح عليه السلام بدون پدر (۲ مورد) و حقانیت قرآن و نزول از سوی پروردگار (۳ مورد) اشاره می‌کند.

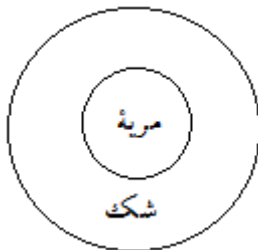
۴-۴-۲. معلول‌های «مریة»

بررسی معلول‌های «مریة» کمک می‌کند تا ذهن آشنایی بیش‌تر با معنای درست آن پیدا کند. «أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يَمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ» (شوری/ ۱۸) «آگاه باشید کسانی که در قیامت القای تردید می‌کنند، در گمراهی عمیقی هستند» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵: ۴۸۵) همنشین شدن ضلال با صفت بعید، نشان‌دهنده اوج گمراهی حاصل از القای تردید است؛ یعنی «بیمارون» (القای تردید) یک مرحله بدتر از «مریة» است، پس ضلال بعید، معلول «مماراة» و ضلال، معلول «مریة» است.

از دیگر معلول‌های «مریة»، تکذیب آیات قرآن است. «... فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُتَمَتِّرِينَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (یونس/ ۹۴-۹۵) «... هرگز از تردیدکنندگان مباش! و از آن‌ها مباش که آیات خدا را تکذیب کردند، که از زیان‌کاران خواهی بود» (مکارم شیرازی، همان: ۲۱۹). به نظر می‌رسد تکذیب آیات، خود علتی برای زیان‌کاری خواهد بود. معلول‌های «مریة» (گمراهی عمیق و تکذیب آیات خدا)، نشان‌دهنده جنبه منفی آن است و این منفی بودن با همنشین نمودن قید لجاجانه در کنار شک قابل مشاهده است.

۵. شمول معنایی

«شک» متفاوت از «مریة» است. همان گونه که شکل بعد نشان می‌دهد، بین «شک» و «مریة» رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد. پروردگار فرموده است: «فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ» (یونس/۹۴) «و اگر در آنچه بر تو نازل کرده‌ایم تردیدی داری، از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی را می‌خواندند بپرس، به یقین، «حق» از طرف پروردگارت به تو رسیده است؛ بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان مباش!» (مکارم شیرازی، همان: ۲۱۹). ممکن است فردی به شک در حقانیت قرآن مبتلا شود. راه از میان رفتن این شک، پرسش از کسانی است که در گذشته کتاب‌های آسمانی را می‌خوانده‌اند. اگر شکاک سؤال نکند، شک وی به «مریة» تبدیل می‌شود. در واقع «ممترا» دسته‌ای از شک‌کنندگان هستند که به دنبال رفع شک از راه پرسیدن نیستند.



رابطه منطقی «شک» و «مریة»

از آیات قرآن استفاده می‌شود که اولاً «مریة» بر خلاف شک امری اختیاری است، چرا که از آن نهی شده است و نهی از یک امر غیراختیاری موجه نیست و ثانیاً «امترا» به معنای ایجاد شبهه در حق به کار رفته است. در نتیجه می‌توان گفت که «مریة» شک معمولی نیست، بلکه معادل شبهه است. (شاکر، ۱۳۸۴: ۲۷۷) امترا به معنای ایجاد شبهات مشکل است؛ اما بعداً کاربرد آن گسترش یافته به طوری که «مریة» و «شک» به جای یکدیگر به کار می‌روند» (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۹۲).

ایزوتسو واژگان قرآنی را به دو سطح توصیف و ارزشی دسته‌بندی می‌کند. وی نقش واژگان دسته اول را بیان الزامات اخلاقی و واژگان دسته دوم را طبقه‌بندی می‌داند. (ایزوتسو، ۱۳۹۴: ۴۰-۴۱)، بنابراین «شک»، «مریة»، «ریب»، «ظن» و ... از جنس واژگان ارزشی می‌باشند که نوعی دسته‌بندی را نشان می‌دهند؛ اما آنچه که از این بخش فهمیده می‌شود، این است که «مریة» اخص از «شک» است و در ترجمه آن نمی‌توان از معادل «شک» بهره گرفت.

۶. بررسی معادل‌های واژه «مریة» در ترجمه مکارم شیرازی

تاکنون با ذکر شواهدی از آیات قرآن کریم، معنای واژه «مریة» بیان شد. حال با کمک نتایج به دست آمده از معناشناسی، معادل انتخاب شده در ترجمه مکارم شیرازی بررسی خواهد شد. ایشان در بخش سخن مترجم در ترجمه قرآن کریم، انجام ترجمه را به سه صورت کلمه به کلمه، آزاد و محتوا به محتوا ممکن دانسته است. وی معتقد است برای ترجمه قرآن باید از نوع محتوا به محتوا استفاده نمود و عنوان می‌دارد ترجمه وی (چاپ سال ۱۳۹۵) از همین نوع است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵: ۶۰۹).

ظاهراً مکارم شیرازی دسته‌بندی مذکور را عیناً از دسته‌بندی جان درآیدن که در سال ۱۶۸۰ میلادی ارایه نموده (موندی، ۱۳۸۹: ۶۴)، اقتباس کرده است. ایشان در ترجمه آیات دربردارنده واژه «مریة»، عبارت‌هایی را داخل پرانتز قرار داده است و این نوع پرانتزها، در ترجمه سایر آیات نیز بسیار دیده می‌شود. پرانتزها حاکی از آن است که ترجمه به دو بخش اصلی و افزوده مترجم تقسیم می‌شود. بخش اصلی، تحت اللفظی است و بخش افزوده، برای کمک به فهم بهتر ترجمه آمده است. بنابراین به نظر می‌رسد ترجمه وی دارای دو بخش تحت‌اللفظی و آزاد است و علی‌رغم نظر ایشان، ترجمه از نوع محتوا به محتوا نیست؛ چرا که در ترجمه محتوا به محتوا، پیام متن مبدأ با استفاده از کلمات و نحو زبان مقصد مجدداً بازنویسی می‌شود و نیازی به پرانتز ندارد.

۶-۱. عدم توافقی «مریة»، «شک» و «ریب»

مکارم برای ترجمه واژه «مریة»، از سه معادل «تردید»، «شک» و «شک و تردید» استفاده نموده است. از طرفی وی سه معادل پیش‌گفته را برای «شک» و «ریب» نیز به همین صورت به کار برده که در جدول تعداد استفاده از معادل‌ها در ازای هر واژه نشان داده شده است.

جدول معادل‌های استفاده شده برای سه واژه «مریة»، «شک» و «ریب» در ترجمه مکارم شیرازی از قرآن

کلمه	معادل در ترجمه	تردید	شک	شک و تردید
مریة	۱۳	۳	۱	
شک	۳	۱۰	۲	
ریب	۷	۱۲	۱۲	

برخی از نظریه پردازان از جمله راغب اصفهانی و عایشة عبدالرحمن بر این باور هستند ترادف در لغات قرآن جایگاهی ندارد (بنت الشاطی، ۱۴۰۴ق: ۲۱۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۵). اگر ترادف را به دو قسم مطلق و نسبی تقسیم کنیم، استفاده از کلمات مترادف مطلق به جای یکدیگر در قرآن، متناقض با حکمت پروردگار است و در ترجمه نیز باید به این نکته دقت نمود. پس ترادف مطلق بین «شک» و «مریة» را در متن قرآن مردود می‌دانیم. در مورد ترادف نسبی نیز به معنای اساسی و نسبی در نظریه ایزوتسو رجوع می‌کنیم. ترادف نسبی در معنای اساسی کلمات وجود دارد و معنای نسبی کلمات با یکدیگر معادل نمی‌باشد و باید از کاربرد کلمه در متن، معنای نسبی به دست آید.

۲-۶. عدم تأثیر حذف «ن» از کان مجزوم در ترجمه مکارم شیرازی

یکی از علوم مؤثر در ترجمه قرآن، علم بلاغت است. با کمک این علم، می‌توان حذف، ایجاز، اطناب و جز این امور را در متون ادبی به ویژه قرآن توجیه نمود. در آیات مورد بررسی ۲ بار عبارت «فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ...» (هود/۱۷ و ۱۰۹) و یک بار عبارت «فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ...» (سجده/۲۳) دیده می‌شود.

سامرائی دلایل حذف «نون» در کان مجزومه را ۵ دسته می‌داند. وی در دسته سوم، دلیل حذف را، بازدارندگی شدید به طوری که هیچ مقداری از فعل انجام نشود، عنوان کرده است. (سامرائی، ۱۴۲۰ق: ۲۳۲/۱-۲۳۳) حذف «ن» از فعل کان، وابسته به سیاق آیه است. پس از عبارت «فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ...» در هر دو مورد، قرآن با عبارت‌های «إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ» (هود/۱۷) و «وَإِنَّا لَمَوْقُوهُمْ نَصِيْبُهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ» (هود/۱۰۹) قدرت‌نمایی می‌کند؛ اما آن‌جا که «ن» حذف نشده این‌گونه نیست، یعنی خدا که ولی پیامبر ﷺ و همه مؤمنان است، بیان می‌نماید که نتیجه پا گذاشتن به عرصه شک لجوجانه، گرفتاری در جلال و قدرت خدا است. حذف «نون» از فعل کان در میدان معنایی «مریة» در این دو آیه از سوره هود انجام شده و منطبق با آنچه ذکر شد، حذف «نون» را در ترجمه باید با عبارتی مانند کلمه «اصلاً شک لجوجانه نداشته باش» یا «هرگز شک لجوجانه نداشته باش» نشان داد و این قید تأکید، در ترجمه مکارم شیرازی وارد نشده است.

نتیجه‌گیری

۱. در این پژوهش، مبانی نظری ایزوتسو بیان گردید و میدان معنایی «مریة» در چارچوب این نظریات به تصویر کشیده شد. کلمه کانونی در میدان معنایی «مریة» واژه «مری» است و مشتقاتی هم چون «مریة»، «إمتری»، «ماری» و «تماری» نقش واژگان کلیدی را بازی می‌کنند. ذکر این نکته ضروری است که کانونی بودن واژه «الله» در تمام قرآن، بر اساس نظر ایزوتسو در میدان معنایی «مریة» هم قابل توجیه است، چرا که بیش‌ترین گستره کاربرد، حوزه توحیدی است؛

۲. «مری» در دوره قبل از اسلام و در جاهلیت به معنای دوشیدن شتر به کار می‌رفته و در قرآن به معنای شک لجوجانه است و در حوزه‌های توحید، معاد، نبوت، حقانیت قرآن، تعداد اصحاب کهف و حقانیت تغییر قبله به کار رفته است. در دوره معاصر، شک، بدون هم‌نشین لجوجانه به کار می‌رود و ترجمه مکارم شیرازی، شاید متأثر از تغییر معنای این لغت در دوره کنونی و تفاوت زمانی ۱۴ قرنی متن مبدأ با متن مقصد است؛

۳. «مریة» رذیله‌ای است که بر اساس مشتقات ذکر شده، قابل القا است؛ به ویژه این‌که غالب کاربردهای آن از باب‌های ثلاثی مزید «إفتعال»، «مفاعلة» و «تفاعل» است. از طرفی به جز آیاتی که خطاب به پیامبر ﷺ است، دیگر آیات دارای فضای جمع است. هم‌چنین برای «مریة» علت‌هایی هم چون «کفر» و «اصرار نابه‌جا» ذکر شده و معلول‌های آن «گمراهی» و «تکذیب آیات خدا» خواهد بود. این روابط معنایی میان واژگان نشان از نکوهش این صفت در متن قرآن کریم است و مترجمان نیز باید به این نکته عنایت داشته باشند. این نکوهش، به علت لجاجت منفی در شک است نه بدبینی در آن؛

۴. از هم‌نشینان واژه «مریة» می‌توان به ادات نهی و تأکید اشاره نمود. هم‌چنین در دو آیه، تأکید بر نهی با حذف «ن» در فعل «کان» تبیین شده است. با کمک این ابزارهای زبانی در میدان معنایی «مریة»، اثبات کردیم که پیامبر اسلام ﷺ، اشرف مخلوقات است و خدا برای مراقبت از ایشان، در متن قرآن ملاحظه و مراقبتی ویژه به خرج داده است. «مریة» نوعی خاص از شک به شمار می‌رود. در واقع هر نوع «مریة»‌ای، نوعی «شک» است و عکس آن صادق نیست؛

۵. آنچه وسعت و عمق مطالعه در معناشناسی واژه «مریة» را گسترش و افزایش می‌دهد، پژوهش در زمینه‌هایی هم چون تفکیک جملات اسمیه و فعلیه و تأثیر آن بر ترجمه این واژه، بررسی توزیع در سور مکی و مدنی، بررسی بیش‌تر ترادف این واژه با معادل «تردید» است که در ترجمه مکارم دیده می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. أشرف عدرة، أحمد (۱۴۱۴ق)، شرح ديوان عبيد بن الأبرص، الطبعة الأولى، بيروت: دارالكتاب العربي.
۲. الهی قمشهای، مهدی (۱۳۸۰)، ترجمه قرآن کریم، چاپ اول، قم: انتشارات فاطمة الزهرا.
۳. انصاری، عبدالله بن محمد (۱۳۷۱)، کشف الاسرار و عدة الأبرار، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۹۴)، مفاهیم اخلاقی دینی قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ سوم، تهران: فرزانه روز.
۵. _____، (۱۳۹۶)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، چاپ یازدهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶. بنت الشاطیء، عایشة عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، الإعجاز البياني للقرآن، الطبعة الثانية، قاهره: دارالمعارف.
۷. پهلوان نژاد، محمدرضا و علیرضا سزاوار (۱۳۸۷)، معناشناسی قرآن مطالعه موردی: سورة جمعه، فصلنامه قبسات، دوره ۱۳، شماره ۵۰، صص ۱۰۷-۱۳۰.
۸. حاجی امیری، شهربانو (۱۳۸۶)، مخاطب‌شناسی آیاتی از سورة یونس، مجله بینات، شماره ۵۵، صص ۳۳-۵۱.
۹. خوری الشرتونی، سعید (۱۴۳۰ق)، أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، قم: منشورات مکتب آیت الله المرعشی.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن الکریم، الطبعة الأولى، بیروت: دارالقلم.
۱۱. زرگرانی، زینب (۱۳۹۵)، معناشناسی توصیفی (همزمانی) واژه «لقاء الله»، تهران، دانشگاه الزهرا، رساله کارشناسی ارشد، استاد راهنما: پروین بهارزاد، رشته علوم قرآن و حدیث.
۱۲. زندگی، محسن (۱۳۹۵)، چکیده‌ای از نظریه میدان معنایی ایزوتسو در تشخیص معنای واژگان دینی، <http://dinonline.com/doc/article/fa/6603/>
۱۳. سامرائی، فاضل (۱۴۲۰ق)، معانی النحو، الطبعة الأولى، عمان: دارالفکر.
۱۴. شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۴ش)، «نگاهی نو به معناشناسی شک و یقین در قرآن»، پژوهش دینی، زمستان، شماره ۱۲، صص ۲۶۷-۲۸۴.
۱۵. صالحی حاجی آبادی، علی و اصغر هادی (۱۳۹۷)، «معناشناسی صبر در قرآن»، مجله پژوهش‌های قرآنی، بهار، شماره ۸۶، صص ۱۵۰-۱۷۳.
۱۶. صینی، محمود اسماعیل (۱۴۱۴ق)، المکنز العربی المعاصر، الطبعة الأولى، بیروت: مکتبه لبنان ناشرین.
۱۷. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغة، الطبعة الأولى، بیروت: دارالافتاح الجديدة.

۱۸. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۳)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۱۹. مختار عمر، أحمد (۱۴۲۹ق)، معجم اللغة العربية المعاصرة، الطبعة الأولى، قاهره: عالم الكتب.
۲۰. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۱. مصلائی پور، عباس و مروت محمدی (۱۳۹۰)، «معناشناسی زهد در نهج البلاغه بر اساس روش معناشناختی ایزوتسو»، مطالعات قرآن و حدیث، دوره ۴، بهار و تابستان، شماره ۲ صص ۹۷-۱۲۷.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۵)، ترجمه قرآن کریم، چاپ اول، قم: مؤسسه تنظیم و نشر حضرت آیت الله مکارم شیرازی.
۲۳. _____ و دیگران (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیة.
۲۴. موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۴)، ترجمه قرآن کریم، چاپ دوم، تهران: انتشارات قدیانی.
۲۵. موندی، جرمی (۱۳۸۹)، درآمدی بر مطالعات ترجمه نظریه‌ها و کاربردها، ترجمه الهه ستوده‌نما و فریده حق‌بین، چاپ اول، تهران: نشر علم.